

نقش انگلیس، شوروی و ترکیه در روابط سمکو(سمیتقو) و شیخ محمود

حفید

(۱۹۱۸-۱۹۳۰م)

رضوان عارف عباس^۱

چکیده

توسعه قدرت کشورهای بزرگ در خاورمیانه همراه با فشار به روی سیستم استعمارگری کشورهای غربی و منافع آنها باعث شد که دولتهای مستعمره همواره در اوضاع نابسامان به سر ببرند و این موضوع تنها علت حفظ منافع دولتهای استعماری بود. هنگام شورش اسماعیل آقا سمکو اوضاع ایران به دلیل سقوط فرمانروایان قاجار و بر تخت نشستن پهلوی رضا شاه نابسامان بود. در این زمان انگلیس و روسیه در خاورمیانه و بخصوص ایران برای دستیابی به منافع خود بصورت کامل در اوضاع سیاسی ایران رخنه کرده بودند. روابط سمکو با شیخ محمود حفید بیشتر اوقات ارتباطی ساده بوده و به یکدیگر یاری رسانده اند و بخصوص سمکو در جنبشهای شیخ محمود بر ضد انگلیسها نقش داشته است، اما بدلیل نابسامانی منطقه و وجود قدرت ترکیه گاهی سمکو ناچار به اطاعت از ترکیه می شد و این بدلیل نزدیکی منطقه زیر نفوذ سمکو با ترکیه بود. در این پژوهش نگارنده سعی دارد با استفاده از منابع کتابخانه و شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی نقش کشورهای خارجی در روابط اسماعیل آقا سمکو(سمیتقو) و شیخ محمود حفید بپردازد.

کلید واژه ها: سمکو ، شیخ محمود حفید ، روابط ، انگلیس ، روسیه ، ترکیه.

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه حلبجه. raza.wan@yahoo.com

The role of the British, Soviet-Turkish relations Samokov (Smytqv) and Sheikh Mahmoud Hafid(1918-1930M)

Abstract

Development of the major countries in the Middle East with the pressure of Western countries and their interests led to the colonial system. The colonial governments have to live in a chaotic situation and it was only due to the interests of the colonial powers. When riots Ismail Agha Samokov situation in Iran because of the fall of the rulers of the Qajar and Pahlavi Reza Shah poor enthronement. At this time Britain and Russia in the Middle East and particularly Iran to achieve its interests were completely infiltrated the political situation in Iran. Samokov relations with Sheikh Mahmoud Hafid often simple communication and helped each other and Samokov, especially in the anti-British movement, Sheikh Mahmoud's role. But because of the ravages of power in the region and Turkey are sometimes forced to obey Turkey was Samokov. This is due to the influence of Samokov and nearby area with Turkey. In this study, the author is trying to use library resources and descriptive analysis of the role of foreign countries in relation Ismail Agha Samokov (Smytqv) and Sheikh Mahmoud Hafid pay.

Keywords: Samokov, Sheikh Mahmoud Hafid, relationships, England, Russia, Turkey.

مقدمه

ایلات و قبایل از دیرباز در تاریخ ایران نقش بسیار تأثیرگذاری داشته اند و فراز و فرود قدرت آنها و کاهش و افزایش شمار جمعیت و تغییرات در پراکندگی جغرافیایی آنها همواره با پیامدهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم و بنیادین همراه بوده است. در طول تاریخ ایران بعد از اسلام و بخصوص بعد از برافتادن قاجارها و بر آمدن رضا خان پهلوی، اوضاع مناطق مختلف ایران دچار آشفتگی شده بود، بخصوص وجود قدرتهای بزرگ مانند انگلیس و روسیه که همیشه به دنبال منافع خود بودند، قدرت پادشاهان ایران را تضعیف کرده بود. در این میان سمکو در منطقه آذربایجان و شیخ محمود نیز در کردستان عراق به فکر شورش افتاده و به فکر استقلال طلبی بودند.

سر آغاز مرحله نخست عملیات علیه شاهسونها در بهار ۱۳۰۰ش و پس از آن اسماعیل آقا بود، که یک دهه پیش بخشهایی از کردستان و آذربایجان را ناامن کرده و حتی با سیاست ترکیه و روسیه نیز پیوند خورده و در اواخر کار تحت تأثیر سیاست بیگانگان بر اندیشه استقلال جویی نیز رسیده بود. در آن زمان نیروهای ایران جهت برقراری آرامش در منطقه و سرکوب کردن شورش سمکو به قلعه چهریق حمله کردند که مکان اصلی سمکو بود و سپاه سمکو را شکست دادند و سمکو را ناچار به عقب نشینی به خاک ترکیه کردند.

ارتباط میان سمکو شکاک و شیخ محمود بر حسب منافع دولتهای بزرگ بود، که به هیچ وجه اجازه گستردگی رابطه میان آن دو را نمی دادند زیرا مطابق با منافع آنها نبود و چندین بار با تعهدهایی سمکو و شیخ محمود را فریب داده بودند.

برآمدن سمکو و اوضاع سیاسی ایران

قبیله شکاک از عشایر قدیمی گُرد بوده که از زمانهای گذشته در منطقه (سوما و برادوست) سکونت داشتند. روسای این قبیله مدت زمانی در منطقه ارومیه حکومت کرده اند. از مشهورترین شخصیت‌های آنان امیر خان برادست بود که در نزدیکی شهر ارومیه قلعه‌ی استوار و محکمی برای مرکز حکمرانی خود در کوه دم دم بنا کرد و امارتی مستقل تشکیل داد. سمکو از شخصیت‌های معروف، جنگجویی شجاع و مردی بلند قامت بود (یاسین سردشتی، ۲۰۰۳: ۳۷). که از حدود ۱۲۶۹ تا ۱۳۰۹ش، و با حمله به شهرها و دهات آذربایجان غربی کوشید بقیه قبایل گُرد را با خود همراه سازد (سیروس غنی، ۱۳۷۷: ۳۰۹-۳۱۰).

سمکو آقا رئیس شجاع قبیله شکاک به دلیل شخصیت بالا و شجاعتش در میان قبایل دیگر معروف شده بود. از سال ۱۹۲۰م شماره افراد قبیله اش به دوهزار خانوار رسیده بود، (حسن ارفع، ۲۰۰۷: ۹۷) سمکو معروفترین و قدرتمندترین فرد قبیله شکاک بود (نوشیروان مستفا امین، ۲۰۰۷: ۴۱۲). روسای قبیله شکاک بدلیل اوضاع جغرافیایی منطقه که در مرز کشور ایران و ترکیه بود تحت حکمرانی هیچ یک از دو حکومت نبودند، وقتی که ایران به آنها حمله می کرد به خاک ترکیه پناه می بردند و وقتی ترکیه به آنها حمله می کرد، به خاک ایران نزدیک می شدند (حسین مدنی، ۲۰۰۱: ۷۱). پشتیبانی قبایل دیگر از سمکو و قبیله شکاک قبایلی چون هرکی، مامش، منگور، زرزا، پشدر یکی از عوامل گسترده‌گی شورش وی بود (حسین مدنی، ۲۰۰۱: ۹۱).

در سال ۱۹۰۷ حاکم تبریز نسبت به جعفر آقا - برادر سمکو - اظهار دوستی کرده و از وی خواست که در فرو نشاندن آشوب تبریز نیروی حاکم را همراهی کند. بنابراین جعفر آقا با جمعی از نیروهای خود به تبریز آمده تا در نشاندن آشوب شهر که به دلیل شورش سال ۱۹۰۵م روسیه آذربایجان و قفقاز برپا شده بود به او کمک

کند، با این نقشه در سال ۱۹۰۷م جعفر آقا را به قتل رساندند، و این دلیل نگرانی بیشتر قبیله شکاک شد و در صدد انتقام بر آمدند (حسن ارفع، ۲۰۰۷: ۱۰۱).

به وجود آمدن خلاء سیاسی در مناطق کردنشین از دلایل دیگر شورش سمکو بود، پس از وقوع شورش اکتبر و خروج نیروهای روسیه از خاک ایران، حکومت ایران هیچ قدرتی در منطقه آذربایجان نداشت، به همین دلیل کردها اوامر خود را مدیریت می کردند، به عبارت بهتر با قطع نفوذ روسیه در ایران فرصت بهتری برای شورش سمکو فراهم شد (عزیز شمزینی، ۲۰۰۶: ۱۵۶). شورش سمکو شکاک وقتی آغاز شد که سلسله پادشاهان قاجار در اواخر عمر خود بسر می برد و تمامی قدرت نظامی ایران دوازده هزار ژاندارم و هفت هزار قزاق بود که کنترل آنها به عهده روسیه و انگلیس بود (کوچرا، ۲۰۰۴: ۸۸). سمکو ضعف قدرت نظامی ایران را خوب دریافته بود، و شهر دیلمان را به تصرف خود در آورد؛ خوی را به غارت برد؛ ارومیه را محاصره کرد، شهر لکستان را به تصرف در آورد و روزنامه ای تحت عنوان «گُرد» را که ارگان شورش بود را منتشر کرد (روزنامه‌ی کورد، ۲۵۹). سمکو در پاییز سال ۱۹۲۱م برابر با ۱۳۰۰ش به شهر مهاباد حمله کرد، سپاه ایران جهت انتقام شکست مهاباد در پاییز همان سال تحت فرماندهی سرهنگ لوید بیرگ سوئدی با سلاحهای انگلیسی و ادوات جنگی فرانسوی و روسی به اسماعیل آقا حمله کرده، اما با شکست روبرو شدند (کوچرا، ۲۰۰۴: ۸۹).

سمکو در مدت چهار سال جنگ در نبردهای خود به پیروزی های بزرگی دست یافت، سمکو در صدد افزایش قدرت خود دو نماینده به نامهای (سیف القضا، شیخ سراج الدین) راهی (بان، مریوان، سنندج) کرد، با محمود خان کانی سانان و محمود خان دزلی و سردار رشید ملاقات کردند، همچنین عشایر گُرد عراق و ترکیه روابط دوستی با سمکو ایجاد کردند. سمکو به عنوان قهرمان ملی در منطقه خوانده می شد، در آن زمان هفته نامه ای تحت عنوان «بانگی گُردستان» در سلیمانیه منتشر می شد، که

در بیشتر شماره های خود اوضاع شورش سمکو منتشر می کرد (صالح محمدامین، ۳۵۴-۳۵۷).

سیاست دولتهای بزرگ با شورش سمکو

شوروی در سال ۱۹۲۱م با ایران عهدنامه ای امضا کرده بود که در آن به نمونه معاهده نامه های امضاء شده در روسیه تزاری اشاره شده بود، بر اساس این عهدنامه کسی یا سازمانی که بر ضد ایران و شوروی شورش کند جلو آن را گرفته و آن را سرکوب کنند (ا.آ. گرانوسکی و دیگران، ۱۳۸۹). در این میان سمکو برای مدتی طولانی تلاش زیادی جهت جذب توجه انگلیس به سوی خود کرد اما فایده نداشت زیرا درخواستهای سمکو در سیاست انگلیس جای نداشت (مدنی، ۱۲۹۹-۱۳۰۴: ۹۷). انگلیس با کمک نظامی به ایران یک از دلایل اصلی قدرتمند شدن حکومت مرکزی بود، رضا خان وزیر جنگ با پشتیبانی مستقیم دولت انگلیس جهت سرکوب کردن شورش سمکو حمله کرد، که حکومت انگلیس با روانه ساختن پانزده هزار سرباز با ادوات نوین جنگی به سمت سمکو و آذربایجان به او کمک کرد، (ارفع، ۲۰۰۷: ۶۳) سپاه سمکو با ده هزار سرباز از شورش سمکو محافظت می کردند، سرانجام سمکو و سپاه وی دچار شکست شد و در مورخه ۲۰-۵-۱۳۰۱ش برابر با ۴-۸-۱۹۲۲ با باقیماندن نیروها خود را به خاک ترکیه عقب نشینی کرد (مکی، ۱۳۶۱: ۱۱۰ / ۵) و در مرداد ماه ۱۳۰۱ش رضا خان توانست سپاهی پنج هزار نفری گرد آوری و به سراغ سمیتقو برود، پس از چند زد و خورد کوچک، در رویارویی بزرگی قوای سمیتقو به سختی شکست خوردند. (غنی، ۱۳۷۷: ۲۷۷). در حمله دیگر نیروهای ایران جهت برقراری امنیت در منطقه و سرکوب کردن شورش سمکو به قلعه چهریق حمله کردند که مکان اصلی سمکو بود و سپاه سمکو را شکست دادند و سمکو را ناچار به عقب نشینی به خاک ترکیه کردند (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۱۲۶). به

نظر می‌رسد که اگر سمیتقو پیروزی به دست می‌آورد، رئیس تمامی طوایف گُرد می‌شد و یک جمهوری برپا می‌کرد (غنی، ۱۳۷۷: ۲۷۷).

در سالهای ۱۹۲۴-۱۹۲۵م در بخش غربی دریاچه ارومیه شورش دیگری به رهبری سمکو آغاز شد، اما نیروهای ایران در سرکوب این شورش نیز موفق شدند. بعدها و در سال ۱۹۲۹م ترکیه از سمکو خواست تا مرز ترکیه را ترک کرده و وارد خاک ایران شود اما سمکو با این درخواست موافقت نکرد، پس از آن سمکو از ایران خواست در منطقه (سوما، برادوست) سکونت گزیند، اما حکومت ایران نیز این درخواست را رد کرد، ایران به او اجازه سکونت در تبریز یا تهران را داد، سمکو با این پیشنهاد موافقت کرد، در این زمان نیروهای ایران در حالت آماده باشد بوده و تحت وضع امنیتی شدید در شب ۱۸-۷-۱۹۳۰ به نیروهای سمکو حمله کرده و در این حمله سمکو کشته شد (لازاریف، ۲۰۰۸: ۳۶۶-۳۶۷).

زندگی نامه شیخ محمود حفید

شیخ محمود فرزند شیخ سعید حفید فرزند کاک احمد شیخ فرزند شیخ مارف نودی میب‌اشد که در سال ۱۸۷۸م دیده به جهان گشود (کوچرا، ۲۰۰۴: ۱۷)، از همان دوران کودکی باهوش و با نشاط بود، درس قرآن را در خانقاه شهر سلیمانیه فرا گرفت. غیر از زبان گُردی به زبانهای فارسی و عربی و ترکی تسلط کامل داشته است. در همان دوران کودکی مشغول فراگیری و ارکاری و دروس جنگی بود. وی در جنگی که میان قبیله اش و قبایل دیگر که بر سر ملک و زمین روی داده بود شرکت کرده بود (حلمی، ۱۹۹۸: ۳۵).

بیشتر منابع بر آن تاکید دارند که شیخ محمود از همان سفری که همراه پدرش به استانبول رفته و وارد دیوان سلطان شد سیاست را شروع کرد، و در این سفر با حاکمان عثمانی دیدار کرد (سجادی، ۱۹۵۹: ۷۹)، در سال ۱۹۱۴م دولت عثمانی وارد جنگ جهانی اول شد، این جنگ کردستان را نیز فرا گرفت زیرا در آن زمان کردستان

عراق زیر نفوذ دولت عثمانی قرار داشت. به دلایل مذهبی شیخ محمود به یاری عثمانیها بر ضد انگلیس و روسیه شتافت و همراه با بیست هزار تفرنگدار در سال ۱۹۱۷م با ارتش روسیه مقابله کرد و از این زمان شیخ محمود معروف گردید (سجادی، ۱۹۵۹: ۷۹-۸۰).

وقتی سپاه روس در پیشروی بود و به شهر کرکوک رسید، شیخ محمود به طور مخفی نامه ای به (ویلسن) حاکم انگلیس در عراق در سال ۱۹۱۷ نوشت، که طی آن شیخ محمود از وی درخواست تشکیل یک حکومت کردی در سلیمانیه تحت نظارت خود آنها (انگلیس) کرد، وقتی که ترکیه از این موضوع آگاه شد شیخ محمود را زندانی کردند و در مورخ ۳۰-۸-۱۹۱۸م حکم اعدام را برای وی صادر کردند، اما به دلیل منافع سیاسی خود شیخ را به سلیمانیه بازگردانده و به فرمانروایی این شهر منصوب کردند (یاداشتهای شیخ لتیف حفید، ۲۶-۲۷). برای هر چه بیشتر راضی کردن شیخ محمود لقب نقیب را به وی اهدا کردند (یاداشتهای احمد تقی، ص ۲۱). پس از سقوط دولت عثمانی و بر سرکار آمدن مصطفی کمال اتاترک و تشکیل دولت عراق به رهبری ملک فیصل و وجود روابط و منافع دولتهای قدرتمند بخصوص انگلیس رویای شیخ محمود در راستای تشکیل حکومت کردی در سلیمانیه تحقق نیافت و سرانجام جنبش شیخ محمود با حمله نیروهای عراق با پشتیبانی نیروهای انگلیس به سلیمانیه شکست یافت و در سال ۱۹۲۴م شیخ محمود سلیمانیه را ترک و به سمت مرز ایران و کوها حرکت کرد و شهر سلیمانیه توسط نیروهای عراق تصرف شد (عبدالجبار حیدر، ۱۲۲). در ۳-۶-۱۹۲۵م دولت عراق مبلغ (شصت هزار روپیه) را برای اسارت شیخ محمود اختصاص داد و ربع آن مبلغ را به کسی که بتواند جنازه شیخ را تحویل دهد اهدا کرد (عیسی علی، ۱۴۲-۱۴۳).

عبدالمحسن حمدون وقتی که در ۲۶-۶-۱۹۲۵م کابینه جدید حکومت را در عراق تشکیل داد نیروهای عراق و انگلیس به شهر (پینجویین) که شیخ محمود در آن

سکونت داشت حمله کرده و در انجام موفق به تصرف این شهر شدند و شیخ به ناچار تن به خواسته‌های حکومت عراقی داد. (همان) بدین ترتیب تلاش‌های شیخ و جنبش وی بدلیل منافع دولتهای قدرتمند و پشتیبانی نکردن آنها از وی شکست خورد.

روابط سمکو و شیخ محمود و نقش کشورهای ترکیه، انگلیس و شوروی در آن پس از آنکه سمکو شکاک بصورت مداوم در جنگ و مقابله با نیروهای ایران بود، همچنین ضد سیاستهای ترکیه و برخی اوقات انگلیس بود، به کردستان عراق روی آورد، وقتی (سمکو و سید طه) به عراق روی آوردند، شیخ محمود تحت عنوان ملک محمود در اوج قدرت خود بسر می برد، رابطه وی با ترکها بیشتر از روابط او با انگلیس بود. اما شیخ محمود قادر به دفاع از منافع انگلیس در عراق نبود و ارتباط سیاسی طرفین بر اساس عدم اعتماد به همدیگر بنا شده بود، کاربردستان انگلیس با دو هدف اصلی خود را به سمکو و سید طه نزدیک کرده بودند، انگلیسی ها بخاطر اعتماد به سید طه قصد داشتند وی را به دشمنی با شیخ محمود وادار کند. سید طه شمزینی دشمن سیاستهای ترکیه بود و برای جلب توجه انگلیس تلاش می کرد تا به وی و سمکو کمک کرده تا کردستان ترکیه را از چنگ مصطفی کمال آزاد کرده و به کردستان ایران ملحق کنند اما چنین پیشنهادی از جانب انگلیس مردود اعلام شد. رؤسای انگلیس در عراق نقشه دومی را برای سمکو ترتیب داده بودند تا شیخ محمود حفید را به دوری گرفتن از ترکیه وادار کند، اما شیخ محمود چون از سیاست ناشفاف انگلیس آگاه بود، نه تنها سخنان سمکو بر وی تأثیری نداشت بلکه از طریق (ازدمیر) زمینه آشتی با ترکیه را فراهم ساخت، این بار ترس انگلیس از آن بود که اتفاق سمکو و شیخ محمود جبهه ضد انگلیس در دو قسمت کردستان ایران و عراق ایجاد کند (مدنی، ۲۰۰۱: ۱۰۸).

سمکو بر اساس خواست انگلیس شهر سلیمانیه را ترک کرد و در مورخ ۲۸-۲-۱۹۲۳ از شیخ جدا شد، دولت انگلیس سمکو را آگاه کرده بود که انگلیس از ایران برای او طلب شفاعت کرده و ایران با این درخواست آنان موافقت کرده است و سمکو می تواند به ایران باز گردد، سمکو شکاک بر سر دو راهی انگلیس و ترکیه قرار گرفته بود، سمکو به ترکها باور نداشت و آگاه بود که آنها دشمن سر سخت گرد هستند و همچنین ترکها سمکو را باور نداشتند. (رمزی قزاز، ۲۰۳) اما در این زمان و وقت در مصلحت سمکو نبود تا به ضد ترکیه بایستد چون پسر وی و ثروتش پیش ترکیه گروگان بودند و ترکیه نیازمند همکاری سمکو بودند و به مصلحت آنها بود که سمکو به ایران بازگشته و امکانات خوب و نفوذ بهتری در کردستان عراق داشته باشد، همچنین شیخ محمود را به علیه انگلیس تقویت کنند. هر چند این غنیمت طرز فکر سمکو را تغییر نداد اما در آن زمان که در دول بزرگ، انگلیس و روسیه با هم اختلاف داشتند زمینه مناسبی برای وی فراهم ساخت. سمکوی شکاک در تلاشی دراز مدت نتوانست اعتماد انگلیس را جلب کند، قبل از سفر وی به ترکیه از طریق روزنامه (روز کردستان) سپاسنامه ای به شیخ محمود فرستاد: «بر اساس دعوت و اراده حضرت جلالت ملک کردستان سید السادات جناب ملک محمود اول، (دامنه الشوکه) با کمال شور و شوق جهت کسب شرف زیارت حضرت ملک معظم به شهر سلیمانیه آمدم، از هر جهت مظهر توجهات و عنایات حضرت ملوکانه بودم لذا با همه موجودیت خود هرچه تشکر و افتخار میکنم و در راستای انسانیت و حس قومیت پرورانه که در مراسم استقبال از طرف جناب رئیس الرؤسا و سادات و رؤسا و ماموران عسکری و ملک حکومت و اشراف منوران و اهالی کردستان در حق به شخص من تدارک دیده بودید بسیار متشکر و مفتخرم بلکه هر فلاکت و و اذیتی که در راه خدمت به ازادی و اخلاص این ملت بر سرم آمد فراموش کرده ام، به واسطه روژ کردستان بیان ممنونیت و مسروری از همه برادران کرد شهر سلیمانیه

می کنم، خداوند همه شما را موفق کند. سمکو.» (روزنامه کردستان، ش ۸، سلیمانیه، ۲۳-جمادالاول-۱۳۴۱ق).

اسماعیل آقا در بهار سال ۱۹۲۳م به ترکیه روی آورد، در آن زمان دو مسئله مهم، موضوع رایج بودند، ماده‌های عهدنامه (سیفر) بر سر حاکمیت ترکیه و تشکیل حکومت مستقل کردستان، که این عهدنامه چماقی در دست انگلیس جهت نرم کردن سر ترکیه بود. همچنین عهدنامه (لوزان) در سال ۱۹۲۳م میان انگلیس و ترکیه امضاء شد که مصطفی کمال آب سردی به دستهای سمکو ریخته و او را نا امید کرد. وی نامه ای به فرمانده ارکان سپاه فرستاد که در آن آمده است: «وضع سیاسی دولتها ما را به صدور فرمان به تاخیر انداختن شورش اسماعیل آقا ناچار کرد» (رمزی قزاز، ۱۹۶). علاوه بر پشیمان کردن سیفر، حل مشکلات ولایت موصل نیز به عهده جامع الملل قرار گرفت تا با همه پرسى مسیر منطقه را مشخص کنند.

اسماعیل آقا پس از توافق انگلیس و ترکیه به طور کل نا امید شد و آخرین شانس خود را امتحان کرد و به شوروی پناه برد و دو شرط اصلی را عنوان کرد، اولین شرط وی همکاری روسیه با وی ایجاد دولت مستقل کردی بود در مقابل سمکو همه گردها را برای همکاری با شوروی هماهنگ کند، اما اگر این شرط تحقق نیافت و به سمکو کمک کردند تا مکان خود را به ایران بازگردد، اما در آن زمان روابط میان ایران و شوروی رابطه خوبی بود و در مصالح شوروی نبود تا به خاطر سمکو منافع خود را در ایران را از دست بدهد (همان، ص ۱۶۶). پس از (معاهده لوزان) اسماعیل آقا و شیخ محمود نزد ترکیه و انگلیس ارزش سابق را نداشتند، بخصوص سمکو که قدرت سیاسی خود را از دست داده بود. (همان).

در سال ۱۹۲۵م قدرت قاجارها در ایران فرو پاشید و رضاخان بر تخت نشست و حکومت پهلوی بر سرکار آمد، رضاخان جهت هرچه قدرتمندترین ساختن خود در مرزها، عهدنامه ای پنج ساله در سال ۱۹۲۶م با ترکیه تحت عنوان معاهده (ویدادیه و

تامینیه) امضا کرد، در دو فصل این معاهده همکاری میان دو دولت ایران و ترکیه جهت سرکوب کردن شورشها و تامین امنیت در مناطق مرزی مطرح گردید، در آن زمان شورشهای شیخ محمود سمکو شکاک و شیخ سعید پیران در مناطق مرزی جریان داشت و همچنین طرفین معاهده تعهد کردند که از شورش هر گونه گروه و سازمانی جهت اغتشاش در امنیت هر کدام از این دولتها جلوگیری کنند(مکی، ۱۳۶۱: ۴ / ۸۱-۸۳)

علاوه بر این شورای جامع ملل در مؤرخه ۱۶-دسامبر-۱۹۲۵م اوضاع ایالت موصل را به نفع انگلیس خاتمه داده بود. دولت عراق با پشتیبانی مستقیم نیروهای انگلیس قدرت شیخ محمود را در شهر سلیمانیه برکنده بود و شیخ به مرزهای ایران عقب نشینی کرده بود، جهت تحکم مرزهای میان ترکیه و ایران لازم بود که از نفوذ شیخ محمود و سمکو شکاک در داخل خاک ایران جلوگیری شود. دولت عراق، با وساطت شورای جامع الملل با ترکیه توافق کرده بود و تنها دولت ایران باقی مانده بود که می بایست اختلافات خود را با این دولت به پایان برساند. رضا شاه که با پشتیبانی مستقیم انگلیس بر تخت نشسته بود راههای آستی و ایجاد ارتباط و دوستی میان هر دو دولت ایران و عراق را همواره کرده بود، و طی این رابطه بود که سفیر انگلیس در بغداد از حکومت بغداد خواست تا جهت سرکوب شورش سمکو شکاک و دولت ایران را یاری کند(صالح محمد امین، ۱۳۹۳).

در ژوئن سال ۱۹۱۹م شورش شیخ محمود حفید شکست خورد و خاندان شیخ محمود خود را به مرز کردستان ایران رسانده بودند و از جانب سمکو استقبال گرمی شده بودند و در پناه سمکو در آرامی بسر می بردند.(رفیق حلمی، ۱۹۹۸: ۶ / ۵۷۷). پس از بازگشت شیخ محمود به کردستان عراق و تشکیل حکومت کردستان در سال ۱۹۲۲م ارتباط وی با کردهای ایران هرچه بیشتر پیشرفت کرد و بخصوص با رؤسای قبایل و رهبران کردستان از جمله (محمود خان کانی سانان و محمود خان دزلی) و

نمایندگان (سقز و بوکان و کرمانشاه)، در این زمان رابطه میان سمکو شکاک و شیخ محمود در اوج خود بود و هر دوی آنها فکر استقلال کردستان را در سر می پروراندند. (رنجیاری، سمایل خان شکاک، مجله رابه ر، ش ۳۱-۳۲).

قبل از بازگشت شیخ محمود به سلیمانیه سمکو به واسطه مصطفی پاشا یامولکی با کردستان عراق رابطه برقرار کرده بود که این مورد به انگیختن نفرت ترکیه از آنها شد (حلمی، ۱۹۹۸: ۵/۴۹۳). شیخ محمود پس از بازگشت به کردستان خواست که پاداش سمکو شکاک را چند برابر بدهد، و به گرمی از نامه های سمکو و سید طه استقبال می کرد (سجادی، ۱۹۵۹: ۹۹).

در جواب نامه ای شیخ محمود حفید آمادگی خود جهت استقبال از اسماعیل آقا را اعلام کرد که به سلیمانیه آمده و مهمان وی می شود، سمکو هم آمادگی خود برای این حکومت را اعلام کرد و هیأت استقبال با ریاست «ظاهر افندی» تشکیل شد که در اواخر سال ۱۹۲۲م از جانب مردم شهر سلیمانیه از وی استقبال شد. (شیخ لثیف حفید، ۱۰۵). هنگام حضور سمکو، مصطفی پاشا یامولکی دوست دیرین سمکو با سخنان مفصل داستان زندگی سمکو را در میان مردم شهر سلیمانیه تعریف کرد. (رفیق حلمی، ۱۹۹۶: ۶/۵۸۲)

با این سفر سمکو به شهر سلیمانیه اتفاقات زیادی در حال وقوع بود که همه آنها در منفعت ترکیه بود، در همان زمان (رمزی بگ ترک) همراه با (فوضی بگ یوزباشی) از رواندز به سلیمانیه آمده و بصورت مخفیانه نزد شیخ محمود آمدند (همان، ۵۸۵).

سمکو به ترکها باور نداشت اما پسرش به نام (خسرو) نزد ترکها گروگان بود همچنین بیست هزار سکه وی در خزانه ترکیه بود، به همین جهت ترکها این رابطه سمکو و شیخ محمود را با فریب دادن هر دو طرف شکر آب کردند. علت اصلی به هم خوردن رابطه سمکو و شیخ محمود، بازگرداندن پسر سمکو به کردستان عراق و

همچنین بازگرداندن املاک مرزی به وی از سوی ترکها بود که با این اقدام اهداف ترکیه نیز تحقق یافت (همان، ۵۸۷).

نتیجه گیری

وخامت و عدم ثبات اوضاع سیاسی ایران و عراق، و اعلامیه ۱۴ بند ویلسن رئیس جمهور وقت ایالات متحده امریکا، فرصتی را برای شورش سمکو و شیخ محمود حفید آماده کرد. اسماعیل آقا جهت آزاد ساختن و استقلال مناطق زیر دست خود تلاش بسیار می کرد و به مدت یک دهه در تلاش و تکاپو بود. وجود دولت های بزرگ استعماری از جمله انگلیس و روسیه، اوضاع سیاسی ایران و عراق را نابسامان کرده بود، مخصوصاً بعضی اوقات این کشورها با سمکو و شیخ محمود پیمان بسته و پس از آن بخاطر منافع خود عهد شکنی می کردند ترکیه به صورت مداوم برای رسیدن به منافع خود در پی ایجاد روابط دروغین با سمکوی شکاک و شیخ محمود حفید بود و دلیل آن جلوگیری از اتحاد میان آن دو و از بین بردن خطر اتحاد آن دو برای ترکیه بود. سمکو و شیخ محمود بر ضد ترکیه و انگلیس و عراق با هم همکاری کرده اند و وقتی حکومت عراق به شیخ محمود حمله کرد، خانواده وی به سمکو شکاک پناه برد.

منابع

۱. آ.آ. گرانوسکی و دیگران، (۱۳۸۹)، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: پویش.
۲. ارفع، حسن، (۲۰۰۷)، کورده کان، تصحیح حامید گهوه ری، هه ولیر.
۳. امین، نوشیروان مستفا، (۲۰۰۷)، کوردو عه جه م، سلیمانی: چاپخانه ی روون.
۴. ته قی، احمد، (۱۹۷۰)، خباتی گه لی کورد له یاداشته کانی احمد ته قیدا، بغداد: بی نا.

۵. حامد محمود، عیسی علی، (۱۹۹۲)، المساله الكردیه فی الشرق الاوسط منذ بدايتها حتى سنه ۱۹۹۱، مطبعه مدبولی.
۶. حیلمی، رفیق، (۱۹۹۸)، یادداشت، ب ۱-۲-۳، بغداد: چاپخانه روشنبیری و لاوان.
۷. رحمانیان، داریوش، (۱۳۹۱)، ایران بین دو کودتا، تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها(سمت) مرکز تحقیق و علوم انسانی.
۸. رمزی قزاز؛ بزوتنه وه ی سیاسی و روشنبیریه کانی کورد.
۹. رنجیار، (اسماعیل خانی شکاک)، (۱۹۹۵)، مجله رابه ر، ش ۳۱-۳۲، سال چهارم.
۱۰. روزنامه کردستان، شماره ۸، ۲۳-جمادالاول-۱۳۴۲.
۱۱. سجادی، علاالدین، (۱۹۵۹)، شورشه کانی کورد و کوماری عراق، بغداد: چاپخانه معاریف.
۱۲. سردشتی، یاسین، (۲۰۰۳)، کردستانی ایران، سلیمانی.
۱۳. شمزینی، عزیز، (۲۰۰۶)، جولانه وهی رزگاری نیشتمانی کوردستان، ترجمه فرید نسه سه سه رده، سلیمانی.
۱۴. صالح محمد امین، کورد و عجم، میژووی سیاسی کورده کانی عراق.
۱۵. غنی، سیروس، (۱۳۷۷)، ایران برآمدن رضا خان بر افتادن قاجار و نقش انگلیسیها، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.
۱۶. کسروی، احمد، (۱۳۸۴)، تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران: امیر کبیر.
۱۷. کوچیرا، کریس، (۲۰۰۴)، کورد له سده نوزده و بیست، ترجمه حمه کریم عارف، سلیمانیه: مطبعه شوان.
۱۸. لازاریف، (۲۰۰۸)، میژووی کردستان، ترجمه هوشیار عبدالله، اربیل.

۱۹. مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۸۹)، تاریخ معاصر سیاسی ایران، وضع سیاسی ایران در سالهای ۱۲۹۹-۱۳۰۴، تهران: نشر انصاری.
۲۰. مدنی، حسین، (۲۰۰۱)، کردستان و ستراتیژی ده‌وله‌تان، اربیل.
۲۱. مک‌داول، دیوید، (۱۹۹۶)، تاریخ الاکرا، بیروت: الحدیث.
۲۲. مکی، حسن، (۱۳۶۱)، تاریخ بیست ساله ایران، مقدمات تغییر سلطنت، تهران: امیر کبیر.
۲۳. وان بروین سن، مارتین، (۱۳۸۷)، اسماعیل آقا سیمکو، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.

